

# کار حزبی تمام وقت است

علیرضا علوی تبار در جمع جوانان  
توسعه‌گرا درباره اهمیت تشکیلات:

ضعف ما در تامین مالی کار  
سیاسی باعث خجالت است

حسین جواران

چرا کار سیاسی گروهی، به عبارت دقیق‌تر کار تشکیلاتی در ایران اینقدر ضعیف است؟ موضوع هم برای گروه‌های منتقد و مخالف صدق می‌کند و هم برای طرفداران تمام قد حکومت. تنها کمی دید تاریخی یا تجربه شخصی در فعالیت سیاسی کافی است تا هر کسی اهمیت سازماندهی سیاسی را لمس کند. پرسش اینجاست که اساساً چقدر از ایراد به ما کنشگران برمی‌گردد و چقدر از مشکل ساختاری است؟ اما چرا این پرسش مهم است؛ پیش از آنکه بخواهیم درباره پرسش‌هایی چون «چه می‌توان کرد؟» فکر کنیم، باید در خصوص امکانات و محدودیت‌ها صحبت کنیم که اقدامات قرار است در آن انجام شود. با این پرسش‌ها سراغ علیرضا علوی تبار رفتیم. کسی که همیشه بر اهمیت کار تشکیلاتی تاکید داشته و در این خصوص صاحب‌نظر است. او تلاش‌هایی هم برای پیاده‌سازی ایده‌های جدیدی در طیف پیشروی اصلاح‌طلبان انجام داد که کم‌وبیش راه به جایی نبردند. در ادامه گزارش گفت‌وگویی چند ساعته دکتر علوی تبار با جمع مختصری از جوانان توسعه را می‌خوانید.

فعالیت غیرحرفه‌ای

«من به این نتیجه رسیده‌ام که کار حزبی باید حرفه‌ای باشد. یعنی مدیریت پاره‌وقت که افراد اوقات فراغت خودشان را صرف آن می‌کنند معمولاً ناموفق است.» از نگاه درونی این مهم‌ترین آسیب‌شناسی علوی تبار در خصوص احزاب منتقد است. او در توضیح این نکته افزود: «احزاب در دیگر کشورها، حتی کشورهایی نزدیک‌تر به ما چون ترکیه، نیروهای تمام وقت دارند. در آنجا وقتی حزب شما به قدرت می‌رسد شما

اجازه دارید مرخصی بدون حقوق بگیرید و حزب حقوق شما را می‌دهد. این برای آن است که تمام ذهن و توجه‌تان را صرف حزب کنید. اینجا که اصلاً این‌طور نیست. آدم‌ها در حاشیه ده‌ها کاری که دارند کار حزبی هم انجام می‌دهند. عملاً ما نیروی تمام وقت نداریم. برای همین حزب‌های ما معمولاً حزب‌های از ساعت شش به بعد است. همه از سرکار خسته می‌آیند و در حزب می‌نشینند و گپ می‌زنند.»

علوی‌تبار با شرح فضای بعضی جلسات نیروهای اصلاح‌طلب وضعیت فاجعه‌بار و غیرحرفه‌ای برخی از این نشست‌ها را این‌گونه شرح داد: «بسیاری حتی مقاله‌های همدیگر را هم نمی‌خوانند. یعنی در جلسه که می‌روید، می‌گویید: «همان‌طور که نوشته‌ام» بعد کسی آن را نخوانده است. تا آن بحث را توضیح می‌دهید وقت جلسه تمام می‌شود. بعد خیلی جالب است انگار همه در جلسات تازه فکر می‌کنند. یعنی با صدای بلند و در حین حرف زدن فکر می‌کنند. بعضی وقت‌ها در جلسات می‌گویم اگر من امروز حرف نزده بودم شما می‌خواستید چه را نقد کنید!»

او این بخش از صحبت‌هایش را این‌طور جمع‌بندی کرد: «نمی‌خواهم بگویم ما باید مثل يك حزب صد ساله در فرانسه باشیم، اما درجاتی از آن واجب است. حرفه‌ای نبودن اولین مشکل احزاب ماست.»

### «تداوم» حلقه مفقوده بعدی

نگاهی به موارد نسبتاً موفق‌تر کار تشکیلاتی می‌تواند فهم بهتری از منطقی‌های حاکم بر کار سیاسی سازمان‌یافته در ایران فراهم کند. بالاخره در میان پرشمار حزبی که در ایران، دست‌کم روی کاغذ، وجود دارند، برخی حرفه‌ای‌تر عمل کردند. آنها به چه سرنوشتی دچار شده‌اند؟

علوی‌تبار در این بخش توضیح داد: در برهه‌ای به نظر می‌آید احزابی چون «مجاهدین انقلاب اسلامی» بیشتر و «مشارکت» کمتر داشتند به سمت حرفه‌ای‌گری و تربیت نیرو پیش می‌رفتند: «فرق بود، بچه‌های مجاهدین انقلاب که سابقه کار تشکیلاتی داشتند از همه اصلاح‌طلبان منضبط‌تر بودند. مثلاً یکی از نکات مهم در تشکیلات این است که شما حق عضویت بدهی و این را سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی داشت. حق عضویت را به اصرار می‌گرفتند. وقتی می‌خواستند ساختمان جدیدش را بسازند حتی از آنهایی که عضو نبودند، اما دوست سازمان بودند، کمک گرفتند. به اصرار و پیگیری گرفتند؛ یعنی با رودربایستی. آخرش هم با همان پول‌ها ساختمان‌شان را ساختند. صرفه‌جویی عجیبی هم در خرج کردن

داشتند. حسابدار آقای عربسرخي بود به شدت کنترل مي‌کرد.» غمانگيز جايي است که چنين تشکيلاتي نتوانست تا انتهاي منطقي خودش پيش برود و ميوه‌هايش کامل شود: «مساله تداوم خيلي مهم است. سازمان مجاهدين انقلاب اسلامي در آستانه تبديل شدن به يك حزب سراسري بود. شعب استاني خودشان را آماده کرده بودند. جزوه‌هاي آموزشي‌شان آماده بود که يك دفعه در ۸۸ پلمب شد. تداوم خيلي مهم است. مثلا در مورد روزنامه‌ها، آنها هم در آستانه يك تحول عظيم بودند. مثلا صبح امروز قرار بود همه چيزش عوض شود که بسته شد. حتي صفحه آرايي قرار بود تغيير کند و روزنامه در سه نوبت چاپ شود.»

### با اين اوصاف بي‌خيال کار تشکيلاتي بشويم بهتر نيست؟

مي‌توان اين‌طور جمع‌بندي کرد که ما کنشگران مدني و سياسي مشکلات فردي و گروهي زيادي داريم، اما اگر احيانا بتوانيم از آنها فراتر برويم و کمي حرفه‌اي‌تر کار تشکيلاتي کنيم، هيچ تضميني براي اينکه بتوانيم تجربه و زحمات انباشته شده خود را حفظ کنيم، وجود ندارد. به زبان علوم اجتماعي، فقدان حاکميت قانون باعث مي‌شود امنيت و ثبات لازم براي سرمايه‌گذاري انرژي و توان در کار تشکيلاتي به وجود نيايد. با اين اوصاف مي‌توان پرسيد آيا کلا بهتر نيست که لقاي کار حزبي در ايران را تا اطلاع ثانوي به عطايش ببخشيم و در حد محافل کوچکي که هر کدام در اطراف خود داريم به فعاليت ادامه دهيم؟

علوي‌تبار در پاسخ به اين منطوق گفت: «ببينيد محفل‌هايي که اغلب فعالان سياسي در ايران دارند خوب است اما ناکافي. آنها شايد ايده‌اي را بپرورانند اما اگر بخواهند آن را اثرگذار کنند بايد از محفل خود فراتر بروند. از طرف ديگر آنها بايد اجازه بدهند ايده‌شان به محک نقد ديگران هم بخورد. به نظر من وقت بگذاريم روي تشکيلات. هزينه و تلاش مي‌خواهد اما بعدا ثمره مي‌دهد. ما وقتي در مرکز بررسي‌هاي استراتژيك يكسال کار کرديم تا ده سال از آن تغذيه فکري کرديم. خيلي از افرادي چون امثال حجريان و عبدي و ديگران نيز در همين گروه‌ها و بحث‌هاي جمعي پرورش يافته‌اند و امروز بسيار اثرگذارند.» او در تاييد حرف خودش به نمونه‌اي نزديک‌تر نيز اشاره کرد: «ببينيد همين کارگزاران دو، سه تا نيروي دست به قلم که پيدا کرد، بيشتر حزب شد. اين نشان مي‌دهد که افراد و گروه‌هاي کوچک و محافل در يك بستر بزرگ‌تر چطور مي‌توانند موثر باشند.»

پيشنهاد علوي‌تبار به محافل سياسي: با حفظ محفلات وارد احزاب رسمي شويد

با این نمونه، او به جوانان طیف میانه که دوست دارند در آینده کشور نقشی ایفا کنند، پیشنهاد داد: «به نظر من، اگر جوانان محفل‌های موفق دارند وارد احزابی شوند که به آنها نزدیک‌تر هستند، البته محفل خودشان را منحل نکنند. اما با آمدن در حزب خواهند دید که شبیه به خودشان زیاد است. محفل خودشان را هم از بین نبرند که اگر فعالیت حزبی موفق نبود، برگردند به همان محفل‌شان. فکر می‌کنم احزاب ما هم استقبال می‌کنند.»

علوی‌تبار البته خوب می‌داند که فعالیت در احزاب فعلی به هیچ وجه دلچسب جوانان نیست: «اغلب [افراد] دنبال حزبی هستند که بی‌نقص باشد، چنین حزبی هیچ جا وجود نداشته. در ایران گروه‌ها دایما به فکر ایجاد حزب جدید می‌افتند. هر وقت کسی با چنین ایده پیش من آمده است به او گفته‌ام که اصلاً چنین کاری نکنید، چون تمام انرژی و وقت محدود خودتان را صرف تشکیل سازمانی می‌کنید که نهایتاً خواهید دید که به تمام عیب‌هایی که دیگران داشتند، دچار می‌شود. پیشنهاد من این است که اگر می‌توانید، بروید به عنوان یک فراکسیون در احزاب نقش ایفا کنید.»

### مشکل تامین مالی کار تشکیلاتی

اینجای بحث بود که علوی‌تبار در خصوص اهمیت کارگروهی و سازمانی، حتی در مقام ایده‌پردازی گفت: «این بحث‌ها فقط به حزب هم بر نمی‌گردد. شما به توسعه نگاه کنید. هر وقت به خودمان و افراد فرصت داده‌ایم که درباره آن فکر کنند، ایده‌های خوبی درباره‌اش به وجود آمده است.» بحث درباره توسعه، باعث شد که حاضرین از دکتر بخواهند این مورد را بازتر کنند: «یکی، دوبار فرصت شد ما برای توسعه کار جمعی سازمان‌یافته انجام بدهیم. یکی مرکز تحقیقات استراتژیک بود و یکی هم بعد از فوت آقای عظیمی و با آمدن آقای راغفر در موسسه عالی آموزش و پژوهش، البته در دوره آقای عظیمی هم کار آغاز شده بود.» نکته قابل توجه در خصوص هر دو مورد موفق که آقای علوی‌تبار به عنوان نمونه برشمرد، دولتی بودن آنها بود. به عبارتی سازمانی به پشتوانه مالی دولتی در برهه‌ای توانست با جذب متخصصان درجه یک و ایجاد یک برنامه پژوهشی، گام‌های بلندی در گفتارسازی و ایده‌پردازی انجام دهد. پرسش اینجاست چرا مورد مشابهی را در بخش مدنی و خصوصی نداشته‌ایم و اینقدر به بودجه دولتی وابسته بوده‌ایم؟ علوی‌تبار این ایراد را به نیروهای اصلاح‌طلب وارد دانست و گفت: «یکی از تلاش‌های زیادی که ما کردیم، این بود که احزاب اصلاح‌طلب را راضی کنیم یک مرکز مطالعات public policy

(خطمشی‌گذاری عمومی) تاسیس کنند. همه احزاب جهان از این موسسات دارند.» او ادامه داد: «این بحث مهمی است که چرا ایده‌های ما جنبه عملیاتی پیدا نمی‌کند. یک‌بار همین حزب حاکم ترکیه سمیناری درباره نواندیشی دینی برگزار کرده بود. حرف بدی هست اما انصافاً ایرانی‌ها، به لحاظ نظری، یک سروگردن از آنها بالاتر بودند. اصلاً قابل مقایسه نبودند. ایرانی‌ها خیلی ایده‌های خوبی داشتند، اما همه از بررسی آن جلسه به این نتیجه رسیدیم که آنها در عمل از ما جلوتر هستند. خیلی جالب بود. ما خیلی حرف برای گفتن داریم. اما وقتی بحث دستاورد می‌شد آنها با همان ایده‌های ساده‌ای که داشتند خیلی کارها کرده بودند و ما هیچی نداریم. آنها با پول بخش خصوصی ده‌ها مرکز تحقیقاتی راه انداخته بودند. ما اما اینجا وقتی از موسسات دولتی بیرون می‌شویم جایی نداریم. البته چند باری سعی کردیم. یکیش موسسه آینده بود که آقای عبدي براي آن پنج سال زندان رفتند. مثلاً pilot study [بررسی اولیه] را اینها فکر می‌کردند مطالعه درباره خلبان‌هاست. برای دفاع مجبور شدند بروند دانشگاه تهران از اساتید مشهور امضا بگیرند که این pilot study ربطی به خلبان‌ها ندارد. واقعیتش بهانه زیاد است، اما به نظرم به هر حال اینها بهانه است. احزاب که می‌توانستند.» علوی‌تبار در ادامه به یکی از تلاش‌های اخیر برای پیاده‌سازی چنین ایده‌ای اشاره کرد: «یک مدتی من فکر کردم شاید انرژی من کم است و از یکی از دوستان جوان و با دانش و انرژی کمک گرفتم که بیاید موسسه تحقیقات خطمشی عمومی راه بیندازیم. همه هم می‌گفتند چقدر ایده خوبی است اما به تامین مالی که می‌رسید همه چیز متوقف می‌شد. البته این باعث خجالت است برای ما که نمی‌توانیم فعالیت‌های خودمان را تامین مالی کنیم. همیشه درگیر کوچک‌ترین مشکلات هستیم. در انتخابات ۱۴۰۰ می‌خواستیم نظرسنجی کنیم. ۳۰۰ میلیون تومان پول لازم داشتیم. کل جبهه اصلاحات برای اینکه تامین پول کند، مشکل داشت. عاقبت با کمک شخصی بعضی اعضا تامین شد.» او در ادامه این ایراد را به اصلاح‌طلبان وارد دانست و گفت: «ببینید نهضت آزادی به محض تشکیل منابع مالی برای خودش ایجاد کرد. شرکت‌هایی راه انداخت و درصدی از سود آن را به فعالیت اختصاص داد. مجاهدین خلق مرغداری داشتند! اصلاح‌طلبان شاید به شکل شخصی امکاناتی داشته باشند اما هیچ وقت به این فکر نکرده بودند که منابع مالی پایدار غیرشخصی ایجاد کنند.»

**آدم‌ها از آنچه به نظر می‌رسد کمتر از خود مایه می‌گذارند**

بعد از نقدهای علوی‌تبار بر جریان سیاسی اصلاح‌طلب، او روی دیگری هم

از سکه را توضیح داد. اینکه بسیاری تا فقط حرف است، می‌خواهند زمین را به آسمان بدوزند، اما وقتی پای عمل و هزینه وسط می‌آید دیگر خبری از آنها نیست: «مثلا سال ۸۸ خیلی بین اصلاح‌طلبان و بخش بزرگی از مردم همدلی بود. اما وقتی گرفتنها شروع شد نیاز به حمایت مالی بود تا از خانواده‌هایی که نان‌آوران‌شان دستگیر شده بودند حمایت شود، وقتی از این خیل عظیم حامیان التماس می‌شد که کمک مالی کنند، دریغ می‌کردند از پرداخت ماهی ۲۰۰ هزار تومان. به هر کدام که می‌گفتیم، می‌گفتند اصلاح‌طلبان که پول دارند، خودشان بدهند. ما به شدت مردم بدبینی هستیم و دنبال آدم مطلق می‌گردیم.» او ادامه داد: «مثلا آدم‌هایی هستند که از بیان تندترین نظرات پرهیزی ندارند اما تا به پول رسیدن می‌رسد، حتی وقتی مطمئن است که کسی متوجه نخواهد شد و دردسری برای‌شان به وجود نمی‌آید، پولی نمی‌دهند.»

---

من به این نتیجه رسیده‌ام که کار حزبی باید حرفه‌ای باشد. یعنی مدیریت پاره‌وقت که افراد اوقات فراغت خودشان را صرف آن می‌کنند معمولا ناموفق است

فرق بود، بچه‌های مجاهدین انقلاب که سابقه کار تشکیلاتی داشتند از همه اصلاح‌طلبان منضبط‌تر بودند. مثلا یکی از نکات مهم در تشکیلات این است که شما حق عضویت بدهی و این را سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی داشت

ما وقتی در مرکز بررسی‌های استراتژیک یک سال کار کردیم تا ده سال از آن تغذیه فکری کردیم. خیلی از افرادی چون امثال حجاریان و عبدی و دیگران نیز در همین گروه‌ها و بحث‌های جمعی پرورش یافته‌اند و امروز بسیا اثرگذارند

اغلب [افراد] دنبال حزبی هستند که بی‌نقص باشد، چنین حزبی هیچ جا وجود نداشته. در ایران گروه‌ها دایما به فکر ایجاد حزب جدید می‌افتند

انتخابات ۱۴۰۰ می‌خواستیم نظرسنجی کنیم. ۳۰۰ میلیون تومان پول لازم داشتیم. کل جبهه اصلاحات برای اینکه تامین پول کند مشکل داشت. عاقبت با کمک شخصی بعضی اعضا تامین شد

ببینید نهضت آزادی به محض تشکیل منابع مالی برای خودش ایجاد کرد. شرکت‌هایی راه انداخت و درصدی از سود آن را به فعالیت اختصاص داد. مجاهدین خلق مرغداری داشتند! اصلاح‌طلبان هیچ وقت به این فکر نکرده بودند که منابع مالی پایدار غیر شخصی ایجاد کنند

□□□□□□ 1402 □□□□□□ 8 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□